

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

باز تایپ و ارسال از: دیپلوم انجنیر معروفی

۲۰ جنوری ۲۰۱۴

«شعله جاوید» ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره ششم ۱۹ ثور ۱۳۴۷ هـ ۹ می ۱۹۶۸ ع

شاعر فردا

منم داستانسرای آرمان خلق زحمتکش
که هستم رهسپار سرزمین روشنایی ها
چراغ شعر من،
روشنگر این وادی تاریک و جانفرسا
سرود پیشتازم
اختر آن آسمان روشن فردا
که بر خورشید رخشانیش
نگردد چیره ابر ظلمت و تاریکی و افسون
و اندر کوهساران زمینش لاله بینی
لاله های آتشین و سرخ
که باشد یادگار جاویدان از قطره های خون:
خون رادمرد و پیشتاز راه آزادی
که اندر سنگر پیکار «هستی ساز دشمن سوز»
طلسم بردگی بشکست و دست زور کوتاه کرد
سرود من،
نباشد آب و باشد «شعله جاوید»
چه آتشها
که اندر کاخ بیداد و ستم زین شعله افروزد
کجا شعر من،
این فریاد مرغ آتشین بال است
که از این گوشه،
از این «بام گیتی» می کشد آواز،

برای کارگر،
 این رهرو فردای هستی بخش،
 که اندر کوره بیداد این مشیت ستمگستر
 روان پرشکوه خویشتن بیهوده می سوزد
 و آن برزیگر محزون
 که اندر کشتزار خویش بهر غیر می کارد....
 سرود من،
 کجا مانند این جادوگران پیر اندر ظلمت تاریخ
 جبین خویش بر درگاه اربابان زر ساید
 و یا در آستان این نکورویان سیمین تن،
 فرود آرد سر و افسانه عشق و هوس خواند
 سرود من، سرود رزم و پیکار است - پیکار رهایی بخش
 بهار من،
 بهار روشنائی ها، بهار خلق زحمتکش.....
 گریزانم ازین ظلمت به سوی روشنائی ها
 منم، من: شاعر فردا....
 «مضطرب» باختری

یادداشت:

یاددهانی از گذشته ها، اگر از سوئی دلشاد کن و غرور آفرین است، از جانب دیگر می تواند عکس آن حزن انگیز و ننگین نیز باشد.

در اشعار و نوشته هایی که از جریده «شعله جاوید» بازتاب و ارسال می کردند، آنچه در سطر گذشته تذکار یافت، بهترین عینیت خود را می یابد. از همین رو در آغاز نشر آثار گذشتگان جنبش زیر عنوان «شعری که شاعرش را شلاق می زند» با صراحت ابراز داشتیم که این اشعار فقط تا زمانی می تواند مال سراینده اش به شمار آید که به آنچه در جوشا جوش جنبش سروده اند، باور مند باشند، در غیر آن شعر نه تنها از مالکیت سراینده بدر گردیده و مال جنبش می گردد، بلکه اینجا و آنجا مواضع کنونی و استحاله شخصیتی، شخص سراینده را نیز از موضع جنبش زیر شلاق انتقاد خرد می نماید.

ن. م.